

امیرحسین خوشحال

دیکتاتوری تازه!

تا نترسم از خدا و از پلیس!
روز و شب لعنت کنم بر انگلیس!
گر کسی حرفی زند گویم که: هیس
دور خود را پر کنم از کاسه‌لیس
در حساب جیب خود گردم خسیس
با عزیزان! می‌روم گلف و تنیس
بین مردم می‌شوم «شیخ‌الرئیس»
می‌دهم کلی هدایای نفیس
دور خواهد شد ز من بوی گریس!
یک حساب چاق در بانک سوئیس
می‌شوم با کشوری دیگر انیس!
ابتدا باید شوم جایی رئیس

قصد آن دارم شوم جایی رئیس
در سیاست گرچه «چرچیل» ولی
در مکان‌هایی که من دارم حضور
تا که قدری منزلت پیدا کنم
مال بیت‌المال را بُمبی کنم!
من نخواهم رفت دیگر دور پارک
می‌زنم در فلسفه حرفی جدید
جشن مدحِ خویش برپا می‌کنم
عطر از نروژ سفارش می‌دهم
باز خواهم کرد بعد از مدتی
کوچ خواهم کرد از این کشور سپس
تا که این رؤیای من گردد درست



ژاله یوسفی نژاد

تیر و مرداد ۱۳۹۷
july 2018
شماره ۶۰

روزنامه
پنجم
۷